

ORIGINAL ARTICLE

Challenges and Effects of Recognizing Legal Personality for the Environment

Hosein Shafiei Fini¹ , Mehdi Hadi² 

1. Assistant Professor, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran.

2. Ph.D. Student in Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

Correspondence:
Hosein Shafiei Fini
Email: ho.shafiei@khu.ac.ir

Received: 27/Aug/2025
Revised: 10/Nov/2025
Accepted: 01/Sep/2026
Published: 11/Sep/2026

How to cite:

Shafiei Fini, H.; Hadi, M. (2026). Challenges and Effects of Recognizing Legal Personality for the Environment, Civil Law Knowledge, 15 (1), 31-42. (DOI: [10.30473/clk.2026.75592.3410](https://doi.org/10.30473/clk.2026.75592.3410))

ABSTRACT

States have adopted various approaches to protect the environment. One of the most novel methods used in recent years by some countries is granting legal personality to certain components of the environment. This approach has not yet been widely accepted in major legal systems, but it can serve as an effective means for achieving governmental conservation objectives. The present study seeks, on the one hand, to examine the challenges facing this initiative, and on the other hand, to evaluate the effects of recognizing legal personality, in order to address the important question of whether granting legal personality to the environment benefits society, and specifically the environment itself. The major challenges in granting legal personality to environmental components include the absence of a reliable legal basis for granting legal personality, conflicts with state sovereignty, and the possibility of employing easier alternatives, such as using NGOs or appointing governmental representatives and trustees for environmental supervision and protection. Conversely, the effects of recognizing such legal personality can be assessed as granting the right to claim legal remedies based on personal rights, having representatives to exercise these rights, generating direct income for the environment, and compelling the government to move toward a green state while respecting the rights of the environment as a legal entity.

KEYWORDS

Basis of Legal Personality, Environmental Legal Personality, Green Government, Legal Personality, Non-Governmental Organizations.



EXTENDED ABSTRACT

Literature Review

Theoretical Background:

No theoretical research has been conducted on this issue within Iranian law.

Empirical Background:

Zahra Sadat Sharq and Hossein Rezazadeh, in their study titled “Granting Legal Personality to Elements of Nature in Light of Sustainable Development”, examined the macro role of granting legal personality in sustainable development. The difference between the present study and theirs lies in the fact that this research attempts to examine the legal foundations for granting legal personality, provide solutions to its legal challenges, and ultimately comprehensively assess the effects of granting such legal personality.

Research Methodology:

The present study was conducted using a descriptive-analytical method based on library data.

Research Findings:

Three major challenges exist in granting legal personality to components of the environment. First, there is no reliable legal basis for granting such personality. Second, granting legal personality reduces governmental control over these geographic areas, thereby conflicting with state sovereignty. Third, instead of granting legal personality, easier alternatives such as using NGOs or appointing governmental representatives and trustees for environmental supervision and protection can be employed. On the other hand, the effects of recognizing this legal personality include granting the right to claim legal remedies based on personal rights, having representatives to exercise these rights, generating direct income for the environment, necessitating the government’s transition toward a green state, and respecting the rights of the environment as a legal entity.

«مقاله پژوهشی»

چالش‌ها و آثار شناسایی شخصیت حقوقی برای محیط زیست

حسین شفیعی فینی^۱، مهدی هادی^۲

چکیده

دولت‌ها راه‌های مختلفی برای حفاظت از محیط زیست اتخاذ کرده‌اند. یکی از نوین‌ترین راه‌هایی که در چند سال اخیر توسط برخی کشورها استفاده شده است، اعطای شخصیت حقوقی به برخی از اجزای محیط زیست است. این رویکرد هنوز در نظام‌های بزرگ حقوقی پذیرفته نشده، اما می‌تواند راه مناسبی برای رسیدن به اهداف صیانتی دولت باشد. تحقیق حاضر در تلاش است تا از یک سو چالش‌ها و پیش‌روی این اقدام را بررسی و از سوی دیگر آثار شناسایی شخصیت حقوقی را ارزیابی کند تا بتواند در پاسخ دادن به این سؤال مهم یاری کند که آیا اعطای شخصیت حقوقی به محیط زیست به سود جامعه و به‌ویژه محیط زیست است یا خیر؟ چالش‌های عمده در راه اعطای شخصیت حقوقی به اجزای محیط زیست را می‌توان چنین ارزیابی کرد: عدم وجود مبنای حقوقی قابل اتکا برای اعطای شخصیت حقوقی، تعارض با حاکمیت دولت و امکان استفاده از راه‌حل‌های سهل‌تر، مانند بهره‌گیری از سمن‌ها یا تعیین نماینده و متولی دولتی برای نظارت و حفاظت از محیط زیست. در مقابل، آثار شناسایی این شخصیت حقوقی عبارت‌اند از اعطای حق دادخواهی بر اساس حقوق شخصی، دارا شدن نماینده برای اعمال این حقوق، ایجاد درآمد مستقیم برای محیط زیست و لزوم حرکت دولت به‌سوی دولت سبز و رعایت حقوق شخص حقوقی محیط زیست.

واژه‌های کلیدی

شخصیت حقوقی، شخصیت حقوقی محیط زیست، دولت سبز، سازمان‌های مردم‌نهاد، مبنای شخصیت حقوقی.

۱. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

حسین شفیعی فینی

رایانامه: ho.shafiei@khu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۰۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۱۰

تاریخ چاپ: ۱۴۰۵/۰۶/۲۰

استناد به این مقاله:

شفیعی فینی، حسین؛ مهدی، هادی (۱۴۰۵). چالش‌ها و آثار شناسایی شخصیت حقوقی برای محیط زیست، دوفصلنامه علمی دانش حقوق مدنی، ۱۵ (۱)، ۳۱-۴۲.

(DOI: 10.30473/clk.2026.75592.3410)



مقدمه

محیط زیست سرمایه مشترک همه انسان‌ها، حتی نسل‌های آینده است. با گذشت زمان، به‌خصوص در دهه‌های اخیر، حفظ و نگهداری این سرمایه دشوارتر شده و ضرورت توجه به این مهم بیش از پیش احساس می‌شود. یکی از راهکارهایی که امروزه مورد توجه قرار گرفته است، اعطای شخصیت حقوقی به برخی اجزای محیط زیست است. طبیعی است که اعطای شخصیت به تمام محیط زیست دست‌کم به دو دلیل بی‌معنا خواهد بود: نخست تعارض با حاکمیت دولت و تمامیت ارضی یک کشور و دوم، عدم امکان زندگی بشری و مالکیت شخصی بر زمین، اما درباره اجزای محیط زیست، مانند یک رودخانه مشخص، برخی توجیه‌های حقوقی مطرح می‌شود. دلیل اصلی این رویکرد، حفاظت از بخشی مشخص از محیط زیست است. به عنوان مثال، در ایران دریاچه ارومیه برای منطقه شمال‌غرب کشور اهمیت بسیاری دارد. خشک‌شدن این دریاچه موجب تغییر آب و هوای این منطقه و تحت تأثیر قرار گرفتن زندگی میلیون‌ها ایرانی و افراد تابع کشورهای همسایه خواهد شد. از همین‌رو، توجه ویژه به احیای این دریاچه وجود دارد. یکی از راه‌های جدیدی که در نظام‌های حقوقی مورد توجه قرار گرفته، اعطای شخصیت به اجزای مهم محیط زیست در معرض نابودی است. در راستای این دیدگاه، چون شخصیت حقیقی ویژه انسان است، بنابراین باید به سمت شناسایی شخصیت حقوقی برای برخی اجزای محیط زیست حرکت کرد. در حال حاضر، با اینکه این ایده در چندین کشور اجرا شده و وارد قوانین این کشورها شده است، هنوز تردیدها و ابهامات زیادی درباره کارآمد بودن این روش مطرح است. تحقیق حاضر در مقام نقد و تحلیل مبانی اعطای این شخصیت حقوقی و درستی این اقدام نیست، اما می‌توان گفت همان‌گونه که روزی اساساً وجود شخصیت حقوقی بی‌معنا به نظر می‌رسید و شخصیت را منحصر در انسان می‌دانستند، امروز نیز نمی‌توان با دیدگاهی که محیط زیست را صرفاً ابزاری برای زندگی بشری می‌داند و آن را فاقد قابلیت دارا شدن شخصیت تلقی می‌کند، به موضوع نگریست. تحقیق حاضر درصدد بیان چالش‌ها و آثار حقوقی اعطای شخصیت حقوقی به جزئی از محیط زیست است. شناخت این چالش‌ها و آثار، می‌تواند زمینه مناسبی برای تصمیم‌گیری هرچه بهتر مسئولان در مورد اعطا یا عدم اعطای شخصیت به اجزای محیط زیست در حقوق ایران فراهم کند. بر همین اساس، ابتدا چالش‌های این تصمیم بررسی می‌شود و در ادامه آثار دارا شدن شخصیت برای جزئی از محیط زیست تبیین خواهد شد.

پیشینه پژوهش

۱. پیشینه نظری

در حقوق ایران از تئوری سازی تحقیقی صورت نگرفته است.

۲. پیشینه تجربی

زهره سادات شارق و حسین رضازاده در تحقیقی با عنوان «اعطای شخصیت حقوقی به عناصر طبیعت در پرتو توسعه پایدار» به‌صورت کلان نقش اعطای شخصیت حقوقی در توسعه پایدار را بررسی کرده‌اند. تفاوت تحقیق حاضر با آن پژوهش در این است که در اینجا تلاش شده است مبانی حقوقی امکان اعطای شخصیت حقوقی بررسی شود، برای چالش‌های حقوقی این امر راهکار ارائه شود و در نهایت آثار اعطای شخصیت حقوقی به‌صورت جامع بررسی شود.

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه داده‌های کتابخانه‌ای انجام شده است.

یافته‌های پژوهش

سه چالش عمده در راه اعطای شخصیت حقوقی به اجزای محیط زیست وجود دارد. نخست، نبود مبنای حقوقی قابل اتکا برای اعطای شخصیت حقوقی. دوم، اعطای شخصیت حقوقی موجب کاهش تسلط دولت بر این بخش از قلمرو جغرافیایی می‌شود و در نتیجه با حاکمیت دولت در تعارض است. سوم، به جای اعطای شخصیت حقوقی می‌توان از راه‌حل‌های سهل‌تر مانند استفاده از سمن‌ها یا تعیین نماینده و متولی دولتی برای نظارت و حفاظت از محیط زیست بهره گرفت. در مقابل، آثار شناسایی این شخصیت حقوقی را می‌توان چنین دانست: اعطای حق دادخواهی بر اساس حقوق شخصی، داشتن نماینده برای اعمال این حقوق، ایجاد درآمد مستقیم برای محیط زیست، لزوم حرکت دولت به سوی دولت سبز و رعایت حقوق شخص حقوقی محیط زیست.

چالش‌های شناسایی شخصیت حقوقی برای محیط

زیست

چالش‌هایی در راه شناسایی شخصیت حقوقی برای برخی از اجزای محیط زیست وجود دارد. برخی از این چالش‌ها به حوزه علم حقوق مربوط نیست و از بحث مقاله حاضر خارج است، اما چهار چالش عمده حقوقی در این موضوع نهفته است که در ادامه بررسی می‌شود.

۱. مبنای شخصیت حقوقی

مبنای اعطای شخصیت حقوقی چیست؟ آیا می‌توان مبنای واحدی در انواع مختلف شخصیت حقوقی یافت؟ یا خیر؟ و چگونه می‌توان اعطای شخصیت حقوقی به محیط زیست را از منظر مبنای حقوقی توجیه کرد؟ در عرصه بین‌الملل تا نیمه دوم قرن هفدهم میلادی تنها دو نوع شخصیت حقوقی وجود داشت. نخست، دولت‌ها و دوم، نهادهای دیگری که دولت‌ها به آنها شخصیت حقوقی اعطا می‌کردند. بر این اساس، شخصیت حقوقی به اراده دولت‌ها به وجود می‌آمد، اما با گذشت زمان و تحولات اقتصادی و اجتماعی، نیاز به وجود این نهادها پررنگ‌تر شد و مبنایی دیگر با عنوان نیازهای اجتماعی و اقتصادی، گروهی از شخصیت‌های حقوقی را ایجاد کرد. نمونه بارز این موارد را شرکت‌های تجاری می‌توان دانست. بر این اساس، صرف اراده دولت‌ها دیگر تعیین‌کننده ایجاد شخصیت حقوقی نبود (هیکی، ۱۹۹۷: ۳-۵). در نظام حقوقی ایران نیز، بر پایه این نظریه و با توجه به اینکه حق و تکلیف ذاتا برای انسان قابل تصور است، هر زمان نیاز به اعطای حق و تکلیف به نهاد یا شرکت و امثال آن باشد، باید به آن شخصیت حقوقی داده شود (نخعی‌پور و سعیدی، ۱۳۹۸: ۷۰). گذشته از اختلاف نظر میان صاحب‌نظران درباره اینکه حق و تکلیف و شخصیت حقوقی لازم و ملزوم یکدیگر هستند (زیمینین، ۲۰۲۱: ۵) یا خیر (دویی، ۱۹۲۶: ۶۶۳)، باید پذیرفت که حق و تکلیف دو روی یک سکه‌اند و نمی‌توان آنها را کاملاً از یکدیگر جدا دانست. اینکه به بخشی از محیط زیست شخصیت حقوقی داده شود تا دارای تکلیف گردد، امری غیرعقلانی به نظر می‌رسد؛ هرچند روی دیگر سکه، یعنی اعطای شخصیت با هدف ایجاد حق برای محیط زیست، قابل توجه است. با این حال، نمی‌توان این واقعیت را نادیده گرفت که میان بخشی از محیط زیست مانند دریاچه ارومیه و یک شرکت تجاری، تفاوت‌های بنیادین وجود دارد. در دریاچه ارومیه هیچ اراده‌ای برای اخذ تصمیم وجود ندارد و بر فرض اعطای شخصیت حقوقی به آن، اراده نماینده به منزله اراده خود شخصیت حقوقی خواهد بود و اراده دیگری یارای مخالفت با آن را نخواهد داشت، در حالی که شرکت از اعضای متعدد تشکیل می‌شود و شرکا برای حفاظت از منافع خود در برابر تصمیمات نماینده شرکت خواهند ایستاد و او را بازخواست خواهند کرد. بر همین اساس، اعطای شخصیت حقوقی به قسمتی از محیط زیست مانند دریاچه ارومیه، نمی‌تواند با شخصیت حقوقی شرکت تجاری دارای مبنای واحدی باشد. دیدگاه نخست، مغایر دیدگاه طرفداران واقعی بودن شخصیت حقوقی است. بر مبنای این نظریه، شخصیت حقوقی

در عالم خارج وجود دارد و قانونگذار تنها آن را شناسایی می‌کند. مهم‌ترین دلیل این گروه، معطوف به وجود اراده برای شخصیت حقوقی است. در واقع، با وجود اینکه اراده شخصیت حقوقی حاصل جمع اراده افراد مختلف حاضر در آن نهاد یا شرکت است، اما لزوماً خروجی مشابهی با فرد فرد این اراده‌ها ندارد و یک اراده مستقل محسوب می‌شود (همان: ۶۵ تا ۶۹). طرفداران این دیدگاه از همین استدلال نتیجه می‌گیرند که شخصیت حقوقی به صورت واقعی موجود است و دارای اراده است. در نتیجه، وجود اراده را مبنای اعطای شخصیت می‌دانند. این مبنا با اجزای محیط زیست قابل انطباق نیست؛ چراکه تردیدی در بی‌جان بودن یک رودخانه یا کوه وجود ندارد و اگر اراده را مبنای دارا شدن شخصیت حقوقی بدانیم، نباید چنین اجزایی دارای شخصیت حقوقی شوند. برخی ایرادی که بر اعطای شخصیت حقوقی وارد می‌کنند، تشبیه طبیعت به انسان است (شارق و رضازاده، ۱۴۰۰: ۱۰۲) که با توضیحات فوق، نادرستی این ایراد روشن می‌شود. حال به سؤالی که در ابتدای این بند مطرح شد، بازمی‌گردیم. دانستیم که شخصیت حقوقی محیط زیست را نمی‌توان دارای مبنای واحدی با دیگر نهادهای دارای شخصیت حقوقی دانست. بنابراین، آیا شخصیت حقوقی محیط زیست مبنایی منطقی و عقلانی دارد؟ دو مبنا برای توجیه این شخصیت حقوقی به ذهن می‌رسد. نخست، به دلیل جایگاه و تأثیری که در روابط اجتماعی دارد، برخی بر این عقیده‌اند که شرط لازم برای ایجاد یک شخصیت حقوقی، فعالیت داوطلبانه و آگاهانه افراد ارگان‌های یک نهاد دولتی یا غیردولتی است (آناتولی، ۲۰۱۷: ۴). در این دیدگاه، فعالیتی مدنظر است که به تأثیر اجتماعی بینجامد و صرف کوششی بی‌فایده ارزشی ندارد. دوم، هدف از اعطای شخصیت حقوقی تنها حمایت از محیط زیست است. در نقد مبنای نخست می‌توان گفت تردیدی در اهمیت جایگاه محیط زیست در زندگی بشری وجود ندارد، اما اگر قانونگذار درصدد اعطای شخصیت حقوقی به موارد مشابه برآید، باید تمام سطح کره زمین را دارای شخصیت حقوقی بدانند. این امر باید شامل زمین‌ها و باغاتی که مالک خصوصی دارند نیز بشود؛ زیرا همه این موارد در زندگی بشری تأثیری عمیق و انکارناپذیر دارند. آیا می‌توان آب را در زندگی اجتماعی بی‌اثر دانست؟ هوا و پوشش گیاهی و دیگر موارد چطور؟ با این توضیح روشن است که چنین استدلالی پذیرفتنی نیست. مبنای دیگری که بیان شده، نزدیک به نهاد حقوقی وقف است. قانونگذار با اعطای شخصیت حقوقی به وقف، در صد حفاظت از آن در برابر طمعکاران بوده است. این حفاظت، به طریق اولی درباره محیط زیست نیز ضروری است، چراکه در وقف تنها

جنبه مالیت مال و لزوم استفاده بهینه و در راستای غرض واقف مطرح است، اما محیط زیست را نمی‌توان مالی به معنای حقوقی دانست، بلکه سرمایه و پایه اجتماع در نسل حاضر و آینده است. البته باید در نظر داشت که در وضعیت معمول، محیط زیست را می‌توان با ابزارهای دیگری مانند تشکلهای مردم‌نهاد یا ادارات ذی‌ربط حفاظت کرد (کلودیو، جرجیو و جووانی، ۲۰۲۲: ۱۹۵) (که در ادامه به آن خواهیم پرداخت)، اما گاهی وضعیت اضطراری و اهمیت مواردی مانند دریاچه ارومیه و باتلاق گاوخونی ایجاب می‌کند که با اعطای شخصیت حقوقی، آن را به سان موجودی زنده قرار داد تا از خود حفاظت کند. بر این اساس باید مبنای اعطای شخصیت حقوقی به محیط زیست را لزوم حمایت جدی و فوری از برخی اجزای محیط زیست دانست.

۲. تعارض با اصل حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی

چالش بعدی که اعطای شخصیت حقوقی با آن مواجه است، تعارضی است که دارا بودن شخصیت حقوقی با حاکمیت دولت بر منابع طبیعی می‌یابد. «حاکمیت بر منابع طبیعی از سال ۱۹۵۲ در قطعنامه‌های مجمع عمومی ملل متحد و سایر ارکان ملل متحد؛ به‌ویژه پاراگراف ۱ ماده ۲ منشور حقوق و تکالیف اقتصادی، با عبارت حق حاکمیت دائمی دولت‌ها مورد تأکید قرار گرفته است. اصل مزبور درباره حاکمیت کشورها بر کلیه منابع ثروت زیرزمینی و فعالیت‌های اقتصادی ذکر شده و بیانگر حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی خود است» (ضیایی‌پور و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۱۹). لزوم تسلط دولت در حدود قانون بر قلمرو خود، امری بدیهی است، به‌گونه‌ای که در علت پدید آمدن اصل مذکور، دست‌درازی دولت‌های بیگانه به منابع دولت‌های دیگر بیان شده است (یونگنبرگ، ۲۰۱۵: ۱) و بر این نکته که دولت باید بر محیط زیست به‌عنوان بخشی از قلمرو حاکمیتی مسلط باشد، از آن حفاظت کند و در راستای منافع ملت، به‌دور از اعمال تبعیض (عباسی سرمدی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۹۸) و برای صیانت از استقلال ملی (شیروی و فرحان جم، ۱۳۹۷: ۴۷۹) از آن بهره‌برد، هیچ خدشه‌ای وارد نیست. حال اگر جزئی از محیط زیست دارای شخصیت حقوقی شود، اعمال حاکمیت دولت بر آن مانند روابط دولت و اشخاص حقیقی محدود خواهد شد.

نکته مهمی که برای یافتن پاسخ باید بدان توجه داشت، در نسبت زمین و تحقق حاکمیت نهفته است. فرض کنید زمینی برای

یک ملت وجود نداشته باشد. آیا می‌توان وجود دولت را پذیرفت؟ در واقع به گفته هابز، حاکمیت روح دولت است (احمدی، ۱۴۰۳: ۲۸) و با وجود اینکه حاکمیت دولت بر محیط زیست در قوانین اساسی برخی کشورها قید شده است، عدم ذکر آن نیز تأثیری بر این حق دولت ندارد، همان‌گونه که این مهم در حقوق بین‌الملل به عنوان یک اصل بنیادین پذیرفته شده است (پرهرا و گاوت، ۲۰۱۳: ۴۵۱). همین امر موجب شده است که قانونگذار در مواد متعدد، ممنوعیت فروش زمین به اتباع بیگانه را مورد تأکید قرار دهد.^۱ از این رو، اعطای بی‌ضابطه شخصیت حقوقی به اجزای محیط زیست با اصل حاکمیت دولت در تعارض آشکار قرار خواهد گرفت، اما در موارد محدود و موردی، ایرادی از این منظر بر دارا شدن شخصیت حقوقی محیط زیست وارد نیست. در واقع، باید اصل را بر عدم امکان اعطای شخصیت حقوقی به اجزای محیط زیست و به تبع آن احترام به حاکمیت دولت قرار داد، اما در مواردی که عدم قسمتی از محیط زیست در شرایط نابودی قرار گرفته است، بر اساس وظیفه ذاتی دولت در صیانت از محیط زیست، امکان اعطای شخصیت حقوقی بدان را پذیرفت. این استدلال دیگر با حاکمیت دولت نیز در تعارض نخواهد بود؛ چراکه خود دولت در راستای انجام وظیفه و صیانت از محیط زیست ابزاری را به کار می‌گیرد و اعطای شخصیت حقوقی در چنین شرایطی یکی از مصادیق این ابزارهای حمایتی است.

برخی از صاحب‌نظران ایرادی را مطرح کرده‌اند که ناظر به اختلال در اعمال حاکمیت و قانون است. ایشان تفکیک محیط زیست به بخش دارای شخصیت حقوقی و فاقد شخصیت حقوقی را موجب اجرای دو دسته قواعد متفاوت و تغییر رویکرد حاکمیت نسبت به هر کدام از این اجزا می‌دانند (شیلتون، ۲۰۱۵: ۱۲). واردکنندگان این ایراد در تبیین اثر منفی این تمایز دلیل کافی ارائه نکرده‌اند. اینکه بر موضوعی واحد احکام متفاوت حاکم باشد چه اشکالی دارد؟ همان‌گونه که در بحث ضمان قهری، قواعد گوناگون از تسبیب تا اتلاف و نیز قاعده احترام جریان دارد. بنابراین، وجود احکام مختلف برای افراد جامعه، با در نظر داشتن تفاوت شرایط، به معنای نقص در اعمال حاکمیت نیست. تفاوتی در رویکرد دولت بر اجزای محیط زیستی که دارای شخصیت حقوقی هستند و سایر اجزای محیط زیست وجود ندارد. محیط زیستی که دارای شخصیت حقوقی است، توان انعقاد معامله و تجارت ندارد. از این منظر هیچ تفاوتی با سایر اجزای محیط زیست نخواهد داشت، بلکه تنها

۱. تبصره ۱ ماده ۲۴ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران و تبصره ماده ۲ قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰

نهاد نمایندگی نیز وضعیت مشابه سمن را دارد. یکی از تفاوت‌های عمده شخصیت حقیقی و حقوقی در خواستگاه اراده این دو است. شخص حقیقی اصولاً نیازی به وجود نماینده ندارد، اما شخص حقوقی در هر حال و بدون استثنا نیازمند نماینده است. تمام تصمیمات و اعمال شخصیت حقوقی از مسیر اراده همین نماینده محقق می‌شود. شخصیت حقوقی محیط زیست نیز از این قاعده مستثنا نیست. بر همین اساس نهاد نمایندگی به مانند سمن‌ها در تضاد با دارا شدن شخصیت حقوقی توسط اجزای محیط زیست نیست. البته نمی‌توان منکر این مهم بود که کارکرد، حدود اختیار و نحوه اعمال نمایندگی در فرض وجود شخصیت حقوقی و فقدان متفاوت است. علت این امر به مبنای نمایندگی باز می‌گردد؛ در فرض وجود شخصیت حقوقی، نماینده درصدد تأمین منافع محیط زیست بوده و توجهی به منافع دیگران ندارد، حال آنکه در صورتی که قانونگذار نهادی دولتی را نماینده حفظ و حراست از محیط زیست نماید، هدف تأمین منافع محیط زیست نیست، بلکه غایت نهایی تأمین منافع مردم است که از رهگذر حفاظت محیط زیست می‌گذرد. بر همین مبنا اگر عبور یک جاده از دل جنگل به نفع مردم و کشور شناخته شود هیچ تعارض منافعی رخ نداده و این اقدام به هدف غایی که حصول آسایش مردم است نزدیک می‌باشد، اما در فرض وجود شخصیت حقوقی برای جنگل، تعارض منافع میان منافع و بقای بخشی از جنگل در مقابل منافع مردم در دستیابی به راهی ایمن‌تر و کوتاه‌تر بروز خواهد کرد.

تخریب محیط زیست به دو دلیل عمده روی می‌دهد: اول، رویکرد انتفاعی نسبت به طبیعت و دوم، محدودیت قوانین و ضعف مدیریتی (شاطری و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰۸). هرچه این دلایل جدی‌تر و عمیق‌تر باشد، حفظ محیط زیست تنها از طریق سمن‌ها و نمایندگان نهادها دولتی دشوارتر خواهد بود. در مورد نمایندگی، کافی است به جایگاه غیر مهم و عدم سازنده سازمان حفاظت محیط زیست در هیأت وزیران و دولت نگریسته شود. سه چالش عمده در این مورد توسط صاحب‌نظران بیان شده است: «اول اینکه رئیس سازمان حفاظت محیط زیست بهره‌مند از حق رأی نیست و صرفاً به عنوان ناظر در این جلسات حاضر می‌شود. باید توجه داشت که راه‌حل رأی‌گیری که اساس کار تصمیم‌گیری شورایی است در این‌گونه موارد کارساز نیست؛ چرا که احتمال دارد تصمیم‌هایی بدون اعمال نظر سازمان گرفته شود، بلکه باید از روش‌های اجماع و رسیدن به تصمیم‌های مورد توافق همگانی بهره جست. دوم اینکه با توجه به اینکه اولویت کاری هیأت وزیران رسیدگی به مسائل مهم‌تر اقتصادی و اجتماعی و برآورده نمودن توقعات بلافصل مردم؛ یعنی رفاه اجتماعی و اقتصادی است، امکان دارد

تفاوت این دو در این نکته مهم است که ضرورت امر اقتضا دارد برخی اجزای محیط زیست به صورت ویژه مورد صیانت قرار گیرند و در این راستا وجود شخصیت حقوقی کمک شایانی خواهد کرد به مانند موردی که بیماران بستری در بخش مراقبت‌های ویژه نسبت به بیماران بستری شده در بخش عادی بیمارستان، نیاز بیشتری به مراقبت دارند و این دو روش مراقبت، در راستای رویکرد بیمارستان به بیماران و تلاش برای بهبودی ایشان است.

۳. استفاده از راه حل جایگزین

در مقابل تلاش برای توجیه لزوم اعطای شخصیت حقوقی به اجزای محیط زیست می‌توان این ایراد را مطرح کرد که راه‌حل‌های دیگری برای حفاظت از اجزای محیط زیست وجود دارد. این راه‌حل‌ها با اصول شناخته‌شده حقوقی سازگارتر است. مواردی مانند اعطای نمایندگی به یک نهاد دولتی برای تلاش همه‌جانبه در راستای حفظ محیط زیست یا استفاده از ظرفیت‌های سمن‌ها. زمانی که می‌توان با این نهادها حقوقی شناخته شده مشکل را حل کرد، دلیلی در ایجاد یک نهاد حقوقی جدید که جامعه و بدنه حاکمیت از جمله دادگستری‌ها با آن آشنایی ندارند، نیست.

باید دقت داشت که این راه‌ها را نمی‌توان به معنی دقیق کلمه راه حل جایگزین محسوب کرد. برای داشتن سازمان‌های مردم‌نهاد کارا، بایست «جامعه‌ای قوی، دولتی تکثرگرا و شبکه‌های غیر رسمی اجتماعی قدرتمند» داشت (رفعتی پناه مهرآبادی، ۱۴۰۲: ۴۲). هر مقدار جامعه از این معیارها به دور باشد سمن‌ها تبدیل به نهادهایی انتزاعی و بدون اثر خواهند شد. به عنوان نمونه «سازمان‌های مردم نهاد محیط زیستی در مسائلی که وجه سیاسی آنها پررنگ و یا مخاطره‌آمیز بود، فعالیت» نمی‌کنند (همان: ۴۶). بر همین استدلال، در سال ۱۴۰۱ حدود ۸۰۰ سمن با موضوع زیست محیطی فعال بوده‌اند (فقیه حبیبی، ۱۴۰۱: ۷۵)، اما وضعیت محیط زیست روزبه‌روز بدتر شده است.

می‌توان رابطه سمن‌ها و دولت را یک رابطه دو سویه دانست. از یک سو اگر «حکومت اعتماد و اطمینان لازم را به مردم نداشته باشد، خود را در تقابل با تشکلهای غیردولتی زیست‌محیطی» خواهد دید (بحرینی و امینی، ۱۳۷۹: ۴۲) که منجر به ناکارآمدی این سمن‌ها خواهد شد، اما اگر دیدگاه دولت تعاملی باشد، با وجود اینکه سمن‌ها هیچ وابستگی مالی یا تشکیلاتی به دولت ندارند، بازوی قدرتمند دولت در اجرای طرح‌ها و فعالیت‌های محیط زیستی خواهند بود (فقیه حبیبی، ۱۴۰۱: ۶۷). با این توضیح مشخص است که استفاده از سمن‌ها ارتباطی به دارا بودن شخصیت حقوقی محیط زیست ندارد و در هر حال باید از آن بهره گرفت.

فرصت کافی برای بررسی لوایح پیشنهادی سازمان که به نوعی در برابر توسعه اقتصادی قرار می‌گیرند، نداشته باشند. سوم، در صورتی که لوایح پیشنهادی سازمان محیط زیست با دیدگاه‌ها و سیاست‌های وزارتخانه‌های قوی مانند نفت، صنایع و معادن، کشاورزی و نیرو تعارض داشته باشد، تکلیف امر از سه حال خارج نیست: یا نظر وزارت مورد نظر و یا نظر سازمان ملحوظ می‌شود و یا اینکه راه حل بینابین که مبتنی بر رویکرد توسعه پایدار است، اتخاذ می‌شود که در هر حال هیچ تضمین قانونی برای اتخاذ این رویکرد وجود ندارد» (عبدالهی و فریادی، ۱۳۸۹: ۱۵۱). در تأیید وجود این چالش‌ها همین بس که موارد مزبور در سال ۱۳۸۹ بیان شده و تاکنون هیچ اراده‌ای در رفع آن وجود نداشته یا توان رفع این مشکلات توسط دولت نبوده است. هر کدام از این موارد صحیح فرض شود گویای یک نکته است و آن، ناکارآمدی نمایندگی نهاد دولت از محیط زیست.

در واقع، زمانی که به محیط زیست با اعطای شخصیت، حیاتی حقوقی و عینی داده شود، خود محیط زیست در حفظ بقای خود بهتر و بیشتر خواهد کوشید و در این راه از کمک‌های سمن‌ها و نهادهای دولتی که وظیفه حفاظت و حمایت از وی را دارند، بی‌نیاز نخواهد بود. بر همین اساس وجود راه‌حل‌های دیگر مانعی بر ایجاد شخصیت حقوقی نیست، بلکه تنها باید به شدت و اضطراب حمایت از محیط زیست نگریست.

آثار شناسایی شخصیت حقوقی برای محیط زیست

در قسمت پیشین با چالش‌های حقوقی اعطای شخصیت حقوقی به اجزای محیط زیست آشنا شدیم و دریافتیم که در صورتی که جزئی از محیط زیست در شرایط بحرانی قرار داشته باشد، این چالش‌ها مانعی در شناسایی شخصیت حقوقی برای آن ایجاد نمی‌کنند. در ادامه به بررسی آثار شناسایی شخصیت حقوقی برای اجزای محیط زیست خواهیم پرداخت.

۱. نیاز به تعیین نهاد قانونی به عنوان نماینده

هم‌اکنون که محیط زیست در ایران فاقد شخصیت حقوقی است، سازمان حفاظت محیط زیست به‌عنوان متولی اصلی محیط زیست در کشور بوده و ناظر بر فعالیت‌های سازمان‌های دیگر در مورد اجرای قانون هوای پاک محسوب می‌شود (فریادی، ۱۴۰۲: ۱۱). «هدف از این نظارت بررسی میزان اجرایی شدن اهداف قانون، شناسایی و اعلام نارسایی‌های اجرایی، تلاش برای اصلاح و جبران و سرانجام ارزیابی میزان اجرایی شدن مفاد قانون است»

(طباطبایی‌مومنی، ۱۳۹۲: ۱۱۱). اگر سازمان حفاظت محیط زیست را با اغماض، در مورد حفاظت از محیط زیست نماینده دولت بدانیم، این نوع نمایندگی را نمی‌توان با نمایندگی از شخص حقوقی مقایسه کرد. در نمایندگی از شخص حقوقی، هدف نماینده حفظ و کسب منافع برای شخصی است که از آن نمایندگی می‌کند، اما نمایندگی نهادهای دولتی نوعی انجام وظیفه قانونی و تنها در حدود آن است. در واقع، نمایندگی نوع اول در حوزه حقوق عمومی جای می‌گیرد، در این حوزه اختیار به معنای تکلیف است و آنچه قانونگذار به‌عنوان اختیارات نهاد نماینده تعیین می‌کند، به معنای تخییری بودن انجام آن توسط سازمان مزبور نیست، اما در مورد نوع دوم اختیار به جنبه‌های حقوق خصوصی نزدیک می‌شود، البته به دلیل ماهیت و کارکرد محیط زیست نمی‌توان به‌طور کامل دیدگاه حقوق خصوصی را به مقوله نمایندگی این شخصیت حقوقی تسری داد. با توضیحی که بیان شد، مشخص است که شناسایی شخصیت حقوقی برای محیط زیست موجب خواهد شد که قانونگذار برای وی یک نماینده به سان متولی برای نهاد وقف تعیین کند، همان‌گونه که قانونگذار در ماده ۳ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه چنین نموده است. در اینکه این نماینده می‌تواند شخص حقیقی یا حقوقی خصوصی باشد، تردید جدی وجود دارد. درست است که اعطای شخصیت به محیط زیست به معنای خروج آن از تسلط کامل دولت است، اما محیط زیست یک سرمایه بشری است و قانونگذار نمی‌تواند به‌مانند نهاد وقف با آن مواجه شود و نمایندگی شخص خصوصی را بپذیرد.

۲. حق دادخواهی محیط زیست

دادخواهی حق مسلم و بنیادین تمامی اشخاص دانسته می‌شود و در اصل ۳۴ قانون اساسی ایران نیز به آن تأکید شده است. در شناسایی حق دادخواهی برای اشخاص، تفاوتی میان اشخاص حقوقی دولتی و اشخاص خصوصی (اعم از حقیقی و حقوقی) وجود ندارد (محسنی، ۱۳۹۶: ۵۴۱ تا ۵۴۴). با این وجود، میان موردی که دولت برای مسائل زیست‌محیطی اقدام به طرح دعوا می‌کند و دعاوی اشخاص خصوصی تفاوت آشکار وجود دارد. دولت با طرح دعوا در صدد انجام وظیفه قانونی خود در صیانت از منابع ملی است، اما شخص خصوصی به دنبال رفع ضرر یا احقاق حق وارد در دعوا می‌شود. از همین رو، اعطای شخصیت حقوقی به اجزای محیط زیست در حق دادخواهی دو تغییر عمده ایجاد خواهد کرد. نخست، عنصر ذی‌نفعی را در طرح دعوا وارد دعاوی محیط زیست می‌کند. در وضعیت حاضر، زمانی که دولت اقدام به طرح دعوا در

شخصیت حقوقی بی‌معنا است و در این حالت هرآنچه به دست آید، متعلق دولت خواهد بود.

۴. حرکت به سوی دولت سبز

حق انسان بر داشتن محیط زیست سالم به عنوان نسل سوم حقوق بنیادین مورد شناسایی قرار گرفته است (منصورخانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۱۱). از همین رو یکی از وظایف دولت صیانت از محیط زیست است. این صیانت در حالت مترقی خود می‌تواند منجر به حرکت دولت به سوی دولت سبز گردد. «دولت سبز دولتی است که حق بر محیط زیست سالم را شناسایی و تضمین می‌نماید و در عین حال با ملاحظه ضرورت‌های زیست‌محیطی به رفع تعارض بین اجرای حق بر محیط زیست سالم با سایر حق‌های هم‌نسل و غیرهم‌نسل آن نیز اهتمام خواهد نمود» (نیکخواه و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵۰). حال اگر برای جزئی از محیط زیست شخصیت حقوقی ایجاد گردد، حرکت به سوی توسعه دولت سبز نه حرکتی قابل تقدیر، بلکه ضرورتی انکارناپذیر خواهد بود. شخصیت حقوقی در هر حال در مقابل دولت دارای حقوق مشخص و تضمین‌شده‌ای مانند برخورداری از حق امنیت قضایی، امنیت اقتصادی و عدالت اجتماعی است؛ شخصیت حقوقی محیط زیست نیز از این قاعده مستثنا نخواهد بود. دولت به‌طور روشن‌تری در برابر یک شخص حقوقی مسئولیت‌هایی دارد، اما زمانی که سخن از محیط زیست به‌طور کلی به میان می‌آید، در پس موضوعاتی مانند اهمیت منافع عمومی و توسعه اقتصادی پنهان می‌شود و از وظیفه صیانت خود عدول می‌کند؛ در مقابل یک شخص حقوقی نمی‌تواند چنین رویکردی داشته باشد و باید به‌صورت روشن حقوق او را محترم بدارد و وظایف خود را انجام دهد.

اعطای شخصیت حقوقی به اجزای محیط زیست در نظام‌های حقوقی

کشور بولیوی در سال ۲۰۱۰ قانون «*de la Madre Tierra*» را تصویب کرد. در این قانون، محیط زیست دارای شخصیت فرض شده و در ماده ۷ آن، هفت حق حیات، حفظ تنوع زیستی، حق آب، هوای پاک، ایجاد تعادل، بازسازی و زندگی عاری از آلودگی برای محیط زیست شناسایی کرده‌اند.^۱

مراجع شبه‌قضایی مانند کمیسیون موضوع قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع می‌کند، نیازی به اثبات ذی‌نفعی خود در دعوا ندارد؛ زیرا به‌عنوان نماینده حاکمیت در حفظ محیط زیست طرح دعوا کرده است، اما در فرض وجود شخصیت حقوقی، محیط زیست باید ذی‌نفعی خود در دعوا را اثبات کند. تغییر دوم، زمانی است که خسارات وارده به محیط زیست از شخصی مطالبه می‌شود. در حالتی که محیط زیست فاقد شخصیت حقوقی باشد، باید ارکان ورود ضرر به انسان ثابت شود. در واقع، با وجود اینکه فرض ورود زیان به محیط زیست مترادف متضرر شدن جامعه تلقی می‌شود (اوبرت و فلور، ۲۰۰۳: ۷۶)، می‌توان خلاف آن را اثبات کرد. فرض کنید برای دسترسی راحت‌تر مردم به مناطق دوردست، تونلی در دل کوه حفر می‌شود؛ در این حالت با وجود ورود خسارت به محیط زیست، چون این عمل در راستای منافع جامعه انسانی بوده است، خسارتی متوجه شخص متلف نیست. در واقع، در حقوق عمومی هدف حمایت از منافع جامعه است (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۱۵). حال اگر در این مثال، کوهی که در آن تونل حفر شده است به دلیلی دارای شخصیت حقوقی باشد، آیا می‌توان مطالبه خسارت را متتفی دانست؟ حتی می‌توان بر حسب اهمیت موضوع، مانع حفر تونل شد. در فرض وجود شخصیت حقوقی، ورود یا عدم ورود زیان به انسان‌ها تأثیری بر تحقق خسارت ندارد؛ در واقع، انسان‌ها نسبت به دعوای محیط زیست ثالث تلقی شده و اصولاً نفعی در آن نخواهند داشت.

۳. ایجاد درآمد محیط زیست

بیان شد که شخصیت حقوقی و تعهد و مسئولیت لازم و ملزوم یکدیگر نیستند، اما حق جدا از تکلیف قابل تصور نیست (هاشمی و سالاری، ۱۴۰۲: ۸۹). در واقع، اگر وجود حق برای شخص حقوقی پذیرفته شود، لاجرم تعهداتی نیز باید برای وی فرض گردد. یکی از این تعهدات، مسئولیت جبران خسارات قهری است. تصور کنید رودخانه‌ای دارای شخصیت حقوقی است و بر اثر آب‌گرفتگی غیرقابل پیش‌بینی، خانه‌ای در نزدیکی رودخانه آسیب ببیند؛ در این حالت، وجود درآمد برای محیط زیست موجب امکان وصول این خسارات از محل درآمد خواهد شد. دریافت مبلغی از بازدیدکنندگان یا مجاوران رودخانه می‌تواند منبع درآمد شخصیت حقوقی باشد. این درآمد، بدون وجود

como las capacidades y condiciones para su regeneración. 2. A la diversidad de la vida: Es el derecho a la preservación de la diferenciación y la variedad de los seres que componen la Madre Tierra, sin ser alterados genéticamente ni modificados en su

1. Artículo 7. (DERECHOS DE LA MADRE TIERRA): I. La Madre Tierra tiene los siguientes derechos: 1. A la vida: Es el derecho al mantenimiento de la integridad de los sistemas de vida y los procesos naturales que los sustentan, así

امر گویای لزوم توجه قانون‌گذاران کشور به موضوع شخصیت حقوقی محیط زیست است؛ چرا که وضعیت زیستی ایران در مواردی حتی حادث‌تر نیز هست.

بحث و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر در صدد بررسی چالش‌ها و آثار اعطای شخصیت حقوقی به برخی اجزای محیط زیست بوده است، تا از این طریق یک توجیه منطقی و قابل قبول برای ضرورت اعطای شخصیت حقوقی به اجزایی از محیط زیست که در شرایط بحرانی هستند، ارائه کند. با وجود اینکه چالش‌های مختلفی در راه اعطای شخصیت حقوقی به برخی اجزای محیط زیست وجود دارد، می‌توان برای هر یک از این چالش‌ها پاسخ مناسبی یافت. عمده چالش‌های حقوقی مطرح در این حوزه سه مورد هستند: نخست، اینکه چه مبنایی برای توجیه اعطای شخصیت حقوقی به محیط زیست وجود دارد؛ دوم، آیا این مبنا با مبنای دیگر ایجاد شخصیت حقوقی یکسان است یا خیر. در پاسخ بیان شد که مبنای اعطای شخصیت حقوقی، حفاظت از محیط زیست است و با هیچ مبنای دیگری یکسان نیست، اما تعدد مبنای را نباید به معنای یک مشکل یا چالش دید. دو چالش دیگر یعنی تعارض با حاکمیت دولت بر محیط زیست نیز چندان ایراد صحتی نیستند. در واقع، وظیفه دولت صیانت از محیط زیست است و اعطای شخصیت حقوقی نیز در راستای انجام بهتر این وظیفه است؛ هرچند در ظاهر، دولت به‌مانند مکان‌های دیگری که فاقد شخصیت حقوقی هستند، دیگر نمی‌تواند اعمال حاکمیت کامل

رودخانه وانگانوی^۱ در کشور نیوزیلند نمونه‌ای دیگر از شناسایی شخصیت حقوقی برای محیط زیست است. این نخستین بار بود که یک رودخانه دارای شخصیت حقوقی شد. نمایندگی این رودخانه نیز به نمایندگان قبیله مائوری سپرده شد. همچنین رودخانه‌های جمنا و گنگ در کشور هند نیز وضعیت مشابهی یافتند http://eco-literacy.net/rivers-as-legal-persons (legal-persons). البته در کنار لزوم حفظ این رودخانه‌ها و جلوگیری از آلودگی روزافزون آنها؛ به‌ویژه رودخانه‌های جمنا و گنگ، انگیزه‌های مذهبی و تقدس این رودخانه‌ها برای ادیان بومی نیز در دارا شدن شخصیت حقوقی مؤثر بوده است.

یکی از متعالی‌ترین موارد توجه به حقوق محیط زیست را می‌توان در اصل ۷۱ قانون اساسی اکوادور مصوب ۲۰۰۸ مشاهده کرد. در این اصل چنین آمده است: «طبیعت، با پاچا ماما، جایی که حیات در آن بازتولید می‌شود و رخ می‌دهد، حق دارد به وجود خود و حفظ و بازسازی چرخه‌های زندگی، ساختار، عملکردها و فرایندهای تکاملی خود احترام گذاشته شود...»^۲ این دیدگاه، پذیرش روشن شخصیت حقوقی برای اجزای محیط زیست در سطح قانون اساسی است؛ در غیر این صورت، برخورداری از حق بدون وجود شخصیت معنایی ندارد. حرکت کشورهایی مانند بنگلادش و استرالیا در این مسیر نیز مشهود است. توجه به این نکته ضروری است که تمامی کشورهایی که در شناسایی شخصیت حقوقی محیط زیست پیش‌قدم شده‌اند دارای پهنه‌های زیست وسیع و در خطر نابودی هستند. این

por las actividades humanas directa o indirectamente. 7. A vivir libre de contaminación: Es el derecho a la preservación de la Madre Tierra de contaminación de cualquiera de sus componentes, así como de residuos tóxicos y radioactivos generados por las actividades humanas.

1. Whanganui

2. Article 71: Nature, or Pacha Mama, where life is reproduced and occurs, has the right to integral respect for its existence and for the maintenance and regeneration of its life cycles, structure, functions and evolutionary processes. All persons, communities, peoples and nations can call upon public authorities to enforce the rights of nature. To enforce and interpret these rights, the principles set forth in the Constitution shall be observed, as appropriate. The State shall give incentives to natural persons and legal entities and to communities to protect nature and to promote respect for all the elements comprising an ecosystem.

estructura de manera artificial, de tal forma que se amenace su existencia, funcionamiento y potencial futuro. 3. Al agua: Es el derecho a la preservación de la funcionalidad de los ciclos del agua, de su existencia en la cantidad y calidad necesarias para el sostenimiento de los sistemas de vida, y su protección frente a la contaminación para la reproducción de la vida de la Madre Tierra y todos sus componentes. 4. Al aire limpio: Es el derecho a la preservación de la calidad y composición del aire para el sostenimiento de los sistemas de vida y su protección frente a la contaminación, para la reproducción de la vida de la Madre Tierra y todos sus componentes. 5. Al equilibrio: Es el derecho al mantenimiento o restauración de la interrelación, interdependencia, complementariedad y funcionalidad de los componentes de la Madre Tierra, de forma equilibrada para la continuación de sus ciclos y la reproducción de sus procesos vitales. 6. A la restauración: Es el derecho a la restauración oportuna y efectiva de los sistemas de vida afectados

را ندارند، وجود حق دادخواهی برای خود محیط زیست این مشکل را رفع خواهد کرد. همچنین محیط زیست می‌تواند دارای دارایی شود؛ در واقع، وجود شخصیت حقوقی به معنای امکان بهره‌مند شدن از اموال، دارایی و حقوق مالی است. همین امر می‌تواند گشایشی در کسری بودجه محیط زیست ایجاد کند و نیز خسارات وارده به اشخاص ثالث را، در صورتی که بخش دارای شخصیت حقوقی محیط زیست مسئول شناخته شود، جبران نماید. در نهایت، شخصیت حقوقی محیط زیست دولت را ملزم به رعایت حقوق این شخصیت می‌کند. دولت از این پس نمی‌تواند محیط زیست را به چشم موجودی بی‌جان که تنها برای رفع نیازهای انسان لازم است ببیند، بلکه به‌مانند روابط دولت با دیگر اشخاص حقوق خصوصی، ملزم به احترام به وجود و حقوق آن است. همین امر دولت را در حرکت به‌سوی دولت سبز یاری خواهد کرد. در نتیجه، گذشته از اینکه دولت چاره‌ای جز رعایت حقوق محیط زیست نخواهد داشت، به‌صورت غیرمستقیم نیز سیاست‌های دولت سبز به سود محیط زیست تمام خواهد شد. بر این اساس در کنار عملیات دیگر دولت برای احیای برخی از اجزایی از محیط زیست مانند دریاچه ارومیه که در شرایط بحرانی هستند، اعطای شخصیت حقوقی به این اجزا آثار مثبتی در پی خواهد داشت.

نماید، اما همین اعمال حاکمیت مطلق دولت، وضعیت برخی اجزای محیط زیست مانند دریاچه ارومیه را به مرحله‌ای رسانده است که باید در رفتار دولت تجدید شود. بر همین اساس، حتی اگر شخصیت حقوقی نیز به این اجزای محیط زیست اعطا نگردد، همچنان دولت نمی‌تواند با سیاست‌های گذشته به اعمال حاکمیت درباره این اجزا بپردازد. استفاده از سازمان‌های مردم‌نهاد یا نمایندگان دولتی چالش سوم این مسیر بود. بیان شد که هیچ تعارضی میان این راه‌ها وجود ندارد؛ در واقع همچنان سمن‌ها و نمایندگان دولتی باید به وظایف خود عمل کنند و تنها اعطای شخصیت حقوقی به برخی اجزای محیط زیست توجه به این بخش‌ها را بیشتر کرده و آنها را در کانون توجه قرار می‌دهد. با فرض اینکه شخصیت محیط زیست شناسایی شده باشد، این امر به دلیل اهمیت صیانت از محیط زیست است و در همین راستا ادامه تلاش‌های سمن‌ها و نهادهای دولتی امری ضروری است؛ بنابراین اعطای شخصیت حقوقی به محیط زیست به معنای پایان مسئولیت‌های سمن‌ها و نهادهای دولتی نیست. اعطای شخصیت حقوقی می‌تواند آثار مثبتی در پی داشته باشد. نخستین اثر، ایجاد حق دادخواهی برای خود محیط زیست است. با توجه به اینکه تعدی به محیط زیست به‌صورت گسترده رخ می‌دهد و نهادهای دولت در طرح دعاوی مربوط اهتمام لازم

References

- Abbasi-Sarmadi, Mehdi., Amani, Masoud., Gowharian, Mohammad Javad. (2018). "Breach of the Principle of Pacta Sunt Servanda under the Principle of Permanent Sovereignty over Natural Resources: Compensation or Reparations?". *Energy Law Studies*, 4(1), pp. 183-210 (in Persian).
- Ahmadi, Fazl-Ahmad. (2024 [1403]). "The Right of State Sovereignty over Natural Resources from the Perspective of International Law". *Ghalib Journal*, 13 (4) (in Persian).
- Anatoliy, V. Kostruba. (2017). "Methodological Basis of Legal Personality of the State (Civil Aspects)". *Journal of Legal, Ethical and Regulatory Issues*, 20(Special 1), pp. 1-11.
- Bahrini, Seyed Hossein., Amini, Farhad. (2000 [1379]). "The Role of Environmental NGOs in Achieving Public Participation for Environmental Protection in Iran". *Mohit Shenasi*, 26(26), pp. 35-49 (in Persian).
- Bungenberg, Marc., Hobe, Stephan. (2015). *Permanent Sovereignty over Natural Resources*. Cham: Springer International Publishing.
- Faghih Habibi, Ali. (2022). "A Sociological Study of the Role of NGOs in Developing the Right to Environment". *Cultural Research Society*, 13(2), pp. 65-87 (in Persian).
- Faryadi, Masoud. (2024 [1403]). "Regulatory Challenges of the Environmental Protection Organization in Ensuring Proper Implementation of the Clean Air Law". *Administrative Law*, 11(37), pp. 9-32 (in Persian).
- Flour, Jacques., Aubert, Luc., Jeansavaux, Eric. (2003). *Les obligations, Le fait juridique*. Paris: Armand Collin.
- Hashemi, Seyed Hossein., Salari, Saeed. (2023 [1402]). "Rights and Duties of the Ruler Toward People Considering

- Citizen Rights Components". *Government and Law*, 4(1), pp. 85-110 (in Persian).
- Hickey, James E. Jr. (1997). "The Source of International Legal Personality in the 21st Century". *Hofstra Law and Policy Symposium*, 2, pp. 1-18.
<http://eco-literacy.net/>
- John Dewey. (1926). "The Historic Background of Corporate Legal Personality". *Yale Law Journal*, 35(6), pp. 655-673.
- Katouzian, Naser. (2004). *Foundations of Public Law / Mabani-ye Hoquq-e Omumi*. Tehran: Mizan (in Persian).
- Mansourkhani, Saeideh., Mirabbasi, Seyed Bagher., Asgharkhani, Abou Mohammad. (2018 [1397]). "The Nature and Content of the Right to Environment". *Political Sociology of Iran*, 1(4), pp. 310-330 (in Persian).
- Mohsen, Abdollahi., Faryadi, Masoud. (2010 [1389]). "Legal Challenges of Iran's Environmental Protection Organization". *Environmental Sciences*, 7(4), pp. 143-179 (in Persian).
- Mohseni, Hasan. (2017 [1396]). "The Principle of Access to Justice and the Right of Government Claim". *Quarterly Journal of Private Law Studies*, 47(3), pp. 531-550 (in Persian).
- Nakhai-Pour, Ghasem., Saeidi, Mohammad Ali. (2019). "Rational Credibility in Analyzing the Basis of Legal Personality". *Amoozeh-haye Feqh-e Madani*, 11(19), pp. 61-90 (in Persian).
- Nikkhah, Vahid., Vijeh, Mohammad Reza., Ramazani Ghavam Abadi, Mohammad Hossein. (2016 [1395]). "Legal Analysis of State-Environment Relations in Transition to a Green State". *Environmental Sciences Quarterly*, 14(3), pp. 147-158 (in Persian).
- Novelli, Claudio., Bongiovanni, Giorgio., Sartor, Giovanni. (2022). "A Conceptual Framework for Legal Personality and Its Application to AI". *Jurisprudence*, 13(2), pp. 194-219.
- Pereira, Ricardo., Gough, Orla. (2013). "Permanent Sovereignty over Natural Resources in the 21st Century: Natural Resources Governance and the Right to Self-Determination of Indigenous Peoples under International Law". *Melbourne Journal of International Law*, 14, pp. 451-495.
- Rafati-Panah Mehrabadi, Mehdi. (2023 [1402]). "The State and Environmental NGOs in Contemporary Iran". 16(1), pp. 37-65 (in Persian).
- Shariq, Zahra Sadat., Reza Zadeh, Hossein. (2021 [1400]). "Granting Legal Personality to Elements of Nature in the Light of Sustainable Development". *Journal of Environmental Science and Technology*, 23(12), pp. 93-106 (in Persian).
- Shateri, Parvaneh., Salehi, Sadegh., Mohseni, Reza Ali., Sharifi, Mansour. (2021 [1400]). "Environmental NGOs and Methods of Member Participation: A Case Study of Tehran Environmental NGOs Using Grounded Theory Approach". *Applied Sociology*, 32(2), pp. 91-128 (in Persian).
- Shelton, Dinah. (2015). "Nature as a Legal Person. VertigO - la revue électronique en sciences de l'environnement", 22, pp. 1-19.
- Shiroi, Abdolhossein., Farhan Jam, Mahsa. (2018 [1397]). "Dual Pricing of Energy in the World Trade Organization with Emphasis on the Principle of Permanent Sovereignty of States over Natural Resources". *Energy Law Studies*, 4(2), pp. 461-491 (in Persian).
- Ziaipour, Komil., Hanjani, Seyed Ali., Mohabi, Mohsen. (2023 [1402]). "Evolution of the Concept of Permanent Sovereignty of States over Natural Resources in International Documents and Regulations". *Talae Hoquq*, 9(1), pp. 317-338 (in Persian).
- Ziemianin, Karolina. (2021). "Civil Legal Personality of Artificial Intelligence: Future or Utopia?". *Internet Policy Review*, 10(2), pp. 1-22.